

دکتر ابومحمد عسگرخانی*

نظریه رژیم‌های بین‌المللی

چکیده:

ثبات نظام بین‌المللی و تغییر آن نظام هسته اصلی نظریه رژیم‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. رژیم‌های بین‌المللی اولاً توسط صاحبان قدرت ایجاد می‌شوند اما به مرور زمان برای خود ایجاد رویه کرده و خود نیز در کنار دولت‌ها به عنوان بازیگر مطرح می‌شوند. ثانیاً به عنوان مکانیزم‌های همکاری بین دولت‌ها ایجاد اعتماد و امنیت کرده و به ثبات نظام بین‌الملل کمک می‌کنند. ثالثاً رژیم‌ها به وسیله عوامل مختلف که مهم‌ترین آنها قدرت است تغییر می‌کنند. بدین ترتیب نظریه رژیم‌ها در خصوص نظریه‌های «همکاری»، «نظم و ثبات» دور رابطه با نظریه‌های «تغییر» نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی:

رژیم، نظم، تغییر، ثبات، همکاری، منازعه، هرج و مرج، کالاهای همگانی، کالاهای بد، عقلانیت، اصول، هنجار، رویه‌های تصمیم‌گیری، ساختار، جهانی شدن، تسهیلات بین‌المللی، اختیار، قدرت، رهبری

۱- مقدمه

تعریف واژه نظریه رژیم

واژه نظریه (Theory) از واژه لاتین Theoria و آن نیز از واژه یونانی Theoras که خود نیز از Theasthai و بالاخره از ریشه Thea به معنای ناظر و نگاه می‌آید که در کلمه تئاتر (Theatre) نیز این ریشه مشاهده می‌شود. رژیم^۱ از لحاظ ریشه‌یابی لغات از Reg یا Rec به معنی راست، درست، می‌باشد و این معنا از ریشه لاتین بوده و در سایر کلمات نیز به چشم می‌خورد مانند Regulate یعنی تنظیم کردن و درست کردن و در واژه Correct پسوند Rect و Rec به معنی صحیح و یا اصلاح کردن است در واژه Rectangular به معنی مثلث قائم‌الزاویه یا زاویه راست دقیقاً همین واژه وجود دارد از لحاظ معنی لغوی یعنی Denotation این واژه به همان معنی درست، صحیح می‌باشد اما واژه رژیم Regime و ریشه‌های آن دارای معانی استعاره‌ای و Connotation نیز می‌باشد که در آن به معنی قاعده نظم، تنظیم، نظام، استمرار نیز نهفته است مثلاً در کلمه (Regulation) به معنی مقررات و قاعده می‌باشد.

این واژه در ادبیات روابط بین‌الملل در کنار کلمه Order به معنی نظم قرار گرفته و دقیقاً متضاد با هرج و مرج و بی‌نظمی می‌باشد. و از طرف دیگر نه تنها در تضاد با هرج و مرج و بی‌نظمی است بلکه افتراق قابل ملاحظه‌ای با واژه Change یعنی تحول و تغییر دارد.

واژه International از ترکیب Inter و Nation یعنی بین ملت‌ها و دولت‌ها می‌باشد و هنگامی که به عنوان صفت پیش از کلمه رژیم‌ها قرار می‌گیرد به معنی رژیم‌های بین‌المللی تلقی شده و می‌توان آن را به صورت نسبی با کلمه حقوق بین‌الملل International law مقایسه کرد که در وجه مقایسه نقاط اشتراک و افتراق به چشم می‌خورد. در وجه اشتراک می‌توان به مسلم بودن قواعد حقوق بین‌الملل اشاره کرد و می‌توان چنین استدلال کرد که فرازهای حقوق بین‌الملل و قواعد آن مدون‌تر از ادبیات رژیم‌های بین‌المللی می‌باشد حال آنکه در رژیم‌های بین‌المللی قواعد می‌توانند نانوشته باشند.

تعریف رژیم‌های بین‌المللی

Robert Keohane و Joseph Nye, Ernst Haas و Oran young هر یک تعاریفی از رژیم‌های بین‌المللی ارائه نمودند لیکن تعریف krasner به عنوان یک تعریف استاندارد در محافل آکادمیک پذیرفته شده وی رژیم‌های بین‌المللی را این‌گونه تعریف می‌نماید: مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح یا تلویحی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری می‌باشند که به واسطه آنها توقعات بازیگران پیرامون موضوعات خاص با هم تلاقی نموده و خواسته‌های بازیگران برآورده می‌شوند. (۱) در این تعریف اصول در رابطه با اهداف بازیگران می‌باشند. و هنجارها در رابطه با رفتار بازیگران هستند قواعد تنظیم‌کننده رابطه بین اهداف و رفتار یعنی اصول و هنجارها می‌باشد. رویه‌های تصمیم‌گیری فرایندهایی هستند که به موجب آن بازیگران تصمیمات خود را اتخاذ می‌نمایند. بازیگران عمدتاً دولت‌ها می‌باشند اما شرکت‌ها، سازمان‌ها و افراد نیز می‌توانند ایفای نقش نمایند. در تعریف فوق نقش سایر پارامترها مانند عرف، عادت، رویه، عملکرد، دانش یا ایدئولوژی نادیده گرفته شده است.

آخرین موج در تئوری‌های روابط بین‌الملل یعنی رژیم‌های بین‌المللی از اواسط دهه ۱۹۷۰ از دامن دانشکده‌های شرق آمریکا و کانادا سربرافراشته، در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اوج گرفته و از صخره‌های تاریخی و حقوق زده اروپا و انگلستان رد شده است. (۲)

در ایران اولین رساله در مورد رژیم‌های بین‌المللی توسط آقای حسین یوسفی قهی در دانشکده روابط بین‌الملل تحت راهنمایی نگارنده صرفاً جهت معرفی رژیم‌های بین‌المللی آغاز گردید (۳) که متعاقباً چندین رساله در مقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی و دکترا با راهنمایی نگارنده آغاز شده است. علی‌رغم این رساله‌ها همچنان خلاء علمی در خصوص رژیم‌های بین‌المللی کاملاً محسوس است.

پیش از آنکه وارد بحث پیرامون مفهوم رژیم‌های بین‌الملل شویم لازم است جایگاه آن را در میان چهار مکتب مهم روابط بین‌الملل رئالیسم (۴) - وابستگی متقابل (۵) - وابستگی (۶) - جهان‌وطن‌انگاری (۷) بشناسیم. به عبارت صحیح‌تر، به‌طور خلاصه سه محور مهم را در چهار مکتب روابط بین‌الملل معرفی نماییم: آن سه محور مهم

عبارتند از:

الف. ساختار نظام بین الملل (۸)

ب. اصل حاکم بر نظام بین الملل (یا منطق نظام بین الملل) (۹)

ج. توزیع قدرت در نظام بین الملل (۱۰)

ساختار نظام بین الملل در مکتب رئالیسم یا واقع گرایی دولت محوری^۱، در مکتب وابستگی متقابل چندمحوری^۲، در مکتب وابستگی جهان محوری^۳ و در مکتب جهان ستایی یا ایده آلیسم جامعه جهانی^۴ می باشد. اصل حاکم بر نظام بین الملل یا منطق نظام در مکتب رئالیسم هرچ و مرج^۵ در مکتب وابستگی متقابل پیچیدگی^۶، در مکتب وابستگی شکل یا شیوه تولید و تجارت تاریخی^۷ و در مکتب جهان وطن انگاری اخلاقیات^۸ می باشد. توزیع قدرت در مکتب رئالیسم نابرابر^۹، در مکتب وابستگی متقابل تقریباً برابر^{۱۰}، در مکتب وابستگی نیز نابرابر بین کشورهای توسعه یافته صنعتی و توسعه نیافته^{۱۱} و در مکتب جهان ستایی به طور آرمان گرایانه باید برابر^{۱۲} باشد. بدین ترتیب جدول زیر را می توان برای شناخت محورهای مهم چهار مکتب ترسیم نمود. سپس نشان خواهیم داد که رژیم های بین الملل از مکتب وابستگی متقابل آغاز شده است ولی سه مکتب دیگر آن را تحت تأثیر قرار داده اند. تأثیر مکتب رئالیسم چشم گیر بوده است.

- | | |
|--|--------------------|
| 1. State - Centric | 2. Multi - Centric |
| 3. Global - Centric | 4. World Society |
| 5. Anarchy | 6. Complexity |
| 7. Historical Mode of Production and Trade | |
| 8. Ethics. | 9. Unequal |
| 10. Somewhat equal | 11. Unequal |
| 12. equal | |

نام مکتب	ساختار نظام بین‌الملل	اصل حاکم بر نظام بین‌الملل (منطق نظام)	توزیع قدرت در نظام بین‌الملل
رتالیسم	دولت‌محوری: بازیگران اصلی دولت‌ها و فقط دولت‌ها هستند. سازمان‌های بین‌المللی شرکت‌های چندملیتی، افراد و سایر بازیگران نمایندگان دولت‌ها هستند.	هرج و مرج: یعنی اصل نظم‌دهنده، هر سیستم فقط هرج و مرج است و همه دولت‌ها در هرج و مرج زندگی می‌کنند. هیچ قانونی بر نظام حاکم نیست جز هرج و مرج.	نابرابر: دولت‌ها دارای قدرت یکسان نیستند. دولت‌ها وظایف یکسان دارند و هم در هرج و مرج زندگی می‌کنند و آنچه مهم است توزیع قدرت در نظام بین‌الملل است.
وابستگی مقابل	چندمحوری: بازیگران غیردولتی در کنار دولت‌ها ایفای نقش می‌کنند و قدرت دولت‌ها کاسته می‌شود چرا که روزه‌روز نقش دولت‌ها به بازیگران غیردولتی واگذار می‌شود.	پیچیدگی: یعنی در نظام بین‌الملل هرج و مرج نیست بلکه پیچیدگی است.	تقریباً برابر: از آنجا که بخشی از نقش دولت‌ها به بازیگران غیردولتی واگذار می‌شود قدرت دولت‌ها نیز توزیع می‌شود و تمام قدرت را دولت‌ها انحصار نمی‌کنند.
وابستگی	جهان‌محوری: یعنی در دنیا یک محور وجود دارد و آن محور کشورهای توسعه‌یافته صنعتی در رأس آن امریکا است.	شکل یا شیوه تولید و تجارت تاریخی: یعنی اصول مطابق شیوه تولید و تجارت در طول تاریخ ایجاد شده‌اند.	نابرابر: هر جا که توسعه اقتصادی انجام گرفته است قدرت هم همانجا است یعنی قدرت در مرکز است و نه در حاشیه.
جهان‌ستایی یا جهان وطن‌انگاری	جامعه جهانی: دنیا به صورت یک دهکده جهانی است	اخلاقیات: یعنی همواره اخلاقیات بر نظام بین‌الملل حاکم بوده است	برابر: عدالت اجتماعی، برابری و مساوات باید در جهان برقرار شود.

تعریف اصول^۱: کرسنر اصول را به مثابه باورهای مربوط به واقعیت، علیت معنا نموده و معنی اصول را بسط نمی‌دهد. اصول را باید در رابطه با اهداف معنا کرد. به عنوان مثال، اگر یک قرارداد بین دو دولت را به عنوان یک رژیم تلقی کنیم هدف اصلی آن قرارداد اصل آن رژیم خواهد بود. در منشور سازمان ملل به اصول و اهداف منشور اشاره می‌شود مثلاً در مقدمه منشور «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» به عنوان یک اصل می‌باشد. یک رژیم ابعاد مختلفی دارد و هر بعد آن می‌تواند «اصول» مختلفی داشته باشد.

به عنوان مثال، در رژیم امنیت دسته‌جمعی^۲ سه بعد مهم دیده می‌شود: الف. ایجاد صلح، ب. حفظ صلح، ج. اجرای صلح. هر یک از این ابعاد دارای اصول می‌باشند. ضمناً هر یک از این ابعاد دارای زیر مجموعه می‌باشند و در هر زیر مجموعه نیز اصول خاص وجود دارد.

تعریف هنجار^۳: هنجارها در رابطه با رفتار بازیگران است یعنی معیارهای رفتار مبتنی بر حقوق تکالیف. پس از اصول هنجارها اهمیت خاصی دارند.

به عنوان مثال، هنجار رژیم امنیت دسته‌جمعی نیز در منشور سازمان ملل متحد، در مقدمه ماده ۱، بخش ۱ می‌باشد که «اقدامات جمعی مؤثری» را برای «حفظ و امنیت بین‌المللی» مقرر می‌دارد. این «اقدامات» در واقع «از میان برداشتن تهدیدات علیه صلح» و «سرکوبی اعمال تجاوزکارانه یا موارد دیگر نقض صلح» می‌باشد. یا در ماده ۲ به «حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق ابزار صلح‌آمیز» اشاره می‌شود و دولت‌ها موظف می‌شوند که هرگونه کمک (لازم) را به سازمان ملل ارائه نمایند.

تعریف قواعد^۴: قواعد نه تنها مربوط به امر و نهی‌های مربوط به اعمال و رفتار بلکه باید گفت نحوه اجرای اصول و هنجارها را با نص صریح به صورت مواد^۵ پیش‌بینی می‌نمایند. در واقع قواعد ترتیبیاتی هستند که اصول و هنجار به وسیله آن ترتیبات عملی

1. Principles

2. Collective security Regime

3. Norms

4. Rules

5. Articles

می‌شوند.

قواعد باید با اصول و هنجارهای مسلم مطابقت نمایند. قواعد ممکن است قانونی و رسمی باشند مانند قطعنامه‌های شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل و یا غیر رسمی باشند یعنی رفتارهای مسلمی که در اثر تکرار به جایگاه قواعد ارتقاء یافته باشند. به‌عنوان مثال، قواعد رژیم امنیت دسته جمعی در سه بعد مذکور (ایجاد صلح، حفظ صلح و اجرای صلح) به صورت جداگانه مشاهده می‌شوند. در خصوص حفظ صلح مثلاً حداقل پنج قاعده وجود دارد اول اینکه حفظ صلح یک فعالیت مربوط به سازمان ملل است. دوم اینکه عملیات حفظ را نمی‌توان بدون رضایت طرف‌های درگیر انجام داد. سوم اینکه پرسنل نظامی بر مبنای موقعیت جغرافیایی انتخاب می‌شوند و تدارکات هم به صورت داوطلبانه از ناحیه اعضای سازمان ملل تأمین می‌شود. چهارم اینکه پرسنل نظامی تحت کنترل و اختیار دبیرکل سازمان ملل است و اختیارات وی نیز از طرف شورای امنیت تفویض می‌گردد. پنجم اینکه نیروها باید بی‌طرف بوده و مسلح به سلاح‌های سبک باشند و توشل به زور از ناحیه آنها می‌بایستی صرفاً برای دفاع مشروع باشد.

تعریف رویه‌های تصمیم‌گیری: عبارتند از رویه‌های تصمیم‌گیری‌های دسته جمعی پیرامون مسائل مطروحه در میان بازیگران.

تصمیم‌گیری‌ها به ندرت توسط یک فرد انجام می‌گیرد. حتی در سطح ملی اجرای قواعد منوط به تصمیم‌گیری جمعی می‌باشد که مطابق اصل حاکمیت انجام می‌شود. مثلاً از زمان وضع قواعد توسط قوه مقننه تا اجرای آن قواعد توسط قوه مجریه تصمیم‌گیرندگان مختلفی به‌عنوان بازیگر مشارکت دارند. هر چقدر از این سطوح خرد به سطوح کلان برویم تصمیم‌گیری‌ها پیچیده‌تر می‌شوند. در سطح منطقه‌ای و در سطح جهانی سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی ترتیباتی را به صورت رسمی و غیررسمی پیش‌بینی می‌نمایند. این تصمیم‌گیری در سطح کلان معمولاً به صورت پیشنهادات و دستور کار مذاکرات بین بازیگران مطرح می‌شوند. در آن مذاکرات در مورد اختیارات، تأمین بودجه

و سایر جنبه‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. معمولاً کمیته‌هایی تشکیل می‌گردد. به عنوان مثال، در رژیم امنیت دسته جمعی و در بعد حفظ صلح کمیته موقتی تشکیل گردیده است. در خصوص تصمیم‌گیری‌های مربوط به تأمین مالی رژیم امنیت در بعد حفظ صلح می‌توان گفت عملیات با هم فرق داشته‌اند. از میان بیست و دو عملیاتی که طی چهل و شش سال بین سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۹۵ انجام گرفت، شش فقره تأمین مالی از محل بودجه موجود، دو فقره فقط توسط بازیگرانی که مستقیماً درگیر قضیه بودند، یک فقره به صورت داوطلبانه و سیزده فقره بر اساس ارزیابی خاص از کلیه کشورهای عضو صورت گرفت.

تعریف نظارت: سیستم‌ها و مکانیزم‌های نظارت بر اجرای اصول، هنجارها و قواعد رژیم است مسأله نظارت نیز همواره با مشکل مواجه بوده است. به عنوان مثال، در رژیم امنیت دسته جمعی نیروهای حافظ صلح باید تحت اختیار سازمان ملل باشند اما عملاً هر کشوری بر نیروهای خود کنترل دارد. برعکس سیستم‌های نظارت در معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای^۱ و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^۲ بسیار دقیق تر خواهد بود.

تعریف شفافیت: شفافیت^۳ عبارتست از چاپ و انتشار تصمیمات اتخاذ شده در رژیم و در واقع با «اصل محرمانه بودن» تناقض دارد. اما چون هدف رژیم بین‌المللی ارائه اطلاعات به بازیگران است این اصل روز به روز در معاهدات بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. شفافیت به مؤثر بودن و کارایی رژیم‌های بین‌المللی کمک می‌کند بنابراین «عرضه» و «تقاضای» اطلاعات نقش بسیار اساسی در اصل شفافیت ایفا می‌کنند. در رژیم دآوری بین ایران و ایالات متحده، ابتدا اصل محرمانه و سری بودن آرا قوی‌تر از اصل شفافیت بود به خصوص اینکه ایران به اصل محرمانه بودن اصرار داشت. لیکن امریکایی‌ها با سماجت آرا را در معرض عموم قرار دادند. به خصوص اینکه آرا چاپ و در اختیار افکار عمومی قرار گرفت لیکن این شفافیت را می‌توان با از میان برداشتن موانع حقوقی و عملی نظارت تقویت نمود. رژیم‌های کنترل تسلیحات دولت‌ها را از هرگونه

1. C.T.B.T.

2. C.W.C.

3. Transparency

عملی که مانع نظارت از طریق ماهواره است منع می‌نمایند.

۲- ورود مفهوم رژیم‌های بین‌المللی

رژیم‌های بین‌المللی در واقع ادامه بحث نهادگرایی لیبرال و نئولیبرال (۱۱) می‌باشد. ریشه این تحلیل‌ها در همگرایی، وابستگی متقابل و کارکردگرایی است. در سال ۱۹۶۸ ریچارد کوپر اقتصاددان آمریکایی کتاب «اقتصاد وابستگی متقابل» را نوشت. کوپر در آن کتاب وابستگی متقابل را به عنوان هسته اصلی اقتصاد سیاسی بین‌المللی لیبرالیسم تلقی کرد و آن مشکلات به وجود آمده برای کشورهای صنعتی غرب پس از جنگ دوم جهانی در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و مبادلات اقتصادی بین کشورهای غربی را مطالعه کرد. البته پیدایش مفهوم وابستگی متقابل که در واقع در ظهور رژیم‌های بین‌المللی نیز بی‌تاثیر نبوده است، خود سه علت دارد: اول اینکه نظریه‌پردازان و کارگزاران سیاسی ایالات متحده به سرعت از روابط تجاری، سرمایه‌گذاری و مسائل انرژی و سوختی آمریکا با دنیای خارج آگاه شده بودند و این مسائل نه تنها در آمریکا بلکه در کانادا نیز ایجاد نگرانی کرده بود. دومین دلیل ظهور مفهوم وابستگی متقابل، نفوذ فزاینده تئوری‌های مارکسیستی وابستگی در آمریکای لاتین توسط پینتو (۱۹۶۲)، سانکل (۱۹۶۵)، فورتادو (۱۹۶۶)، سیرز (۱۹۷۲)، اینکل آمرت (۱۹۷۲)، و غیره بوده که لیبرال‌ها را برای ارائه یک تئوری اقتصادی سیاسی برانگیخته بود و بالاخره سومین دلیل آن یأس و نومیدی لیبرال‌ها از مطالعات سازمان‌های بین‌المللی در واکنش به مکتب رئالیسم بود. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطالعه سازمان‌های بین‌المللی بسیار مُد شده بود. اما در دهه ۱۹۷۰، این مطالعات دیگر رونق چندانی پیدا نکرد. واژه رژیم در سال ۱۹۷۲ در مطالعات حقوق بین‌الملل زیست محیطی توسط گولدای (۱۲) مطرح شد. اما ریچارد کوپر بود که مجدداً در سال ۱۹۷۵ نظام پولی بین‌المللی رژیم‌ها را مطرح کرد. (۱۳) رابرت کوهین و جوزف نای طی مقاله‌ای در سال ۱۹۷۵ مفهوم وابستگی متقابل بین‌المللی و همگرایی را بسط دادند. (۱۴) در سال ۱۹۷۵ کتاب ارنست هس رژیم‌ها و نهادگرایی منطقه‌ای را مطالعه کرد (۱۵) و بار دیگر در همان سال باتفاق جان راگی مقاله معروف خود را در مورد نقش تکنولوژی در صحنه بین‌المللی نوشت. (۱۶)

در سال ۱۹۷۷ رابرت کوهین و جوزف نای کتاب معروف قدرت و وابستگی متقابل را نوشته و در آن به بررسی رژیم‌های بین‌المللی پرداختند. (۱۷)

کتاب اورن یانگ در سال ۱۹۷۵ و مقاله‌اش در سال ۱۹۷۹ به رژیم‌های منابع طبیعی اشاره کردند (۱۸) و در سال ۱۹۸۰ یانگ طی مقاله زیبایی به مطالعه و مشکلات مفهوم رژیم‌های بین‌المللی پرداخت (۱۹) و در همان سال ارنست هس طی مقاله بسیار جامعی رژیم‌های بین‌المللی را در مسائل عدیده مربوط به همکاری مورد ارزیابی قرار داد. (۲۰)

در دهه ۱۹۷۰ و به‌ویژه اواخر این دهه مسائل بسیاری در رژیم‌های بین‌المللی مطرح شد. استفن کرسنر به همراه چند تن از نویسندگان رژیم‌های بین‌المللی سیزده مقاله برجسته را در یک کتاب به نام رژیم‌های بین‌المللی انتشار دادند. تعریف کرسنر از رژیم‌های بین‌المللی به عنوان یک تعریف استاندارد توسط محافل دانشگاهی پذیرفته شده است. از آن زمان تاکنون مقالات بی‌شماری راجع به رژیم‌های بین‌المللی نوشته شده است. (۲۱)

۳- تعریف فراخ از کاربرد رژیم‌های بین‌المللی

رژیم‌ها در تمام مسائل مطروحه در نظام بین‌الملل مفهوم پیدا کرده‌اند از جمله ابعاد اقتصادی، امنیت زیست محیطی، حقوق بشر، کنترل تسلیحات، منابع زیرزمینی، هوانوردی، اقیانوس‌ها و دریاها. به‌طور کلی رژیم‌ها رابه عنوان ابزار و وسایلی در اختیار دولت‌ها می‌دانند. کوهین می‌گوید: رژیم‌های بین‌المللی تهدیدی برای دولت‌ها محسوب نمی‌شوند بلکه برای آنها مفید می‌باشند. اطلاعات موثق در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند و آنها را از عواقب و بهای نقض سایر حقوق مالکانه آگاه می‌کنند. جوزف نای می‌گوید: رژیم‌ها باعث می‌شوند که هزینه‌ها بین دولت‌ها تقسیم شود، رژیم‌ها دیپلماسی را سهل کرده و ایجاد نظم می‌کنند. اصول، قواعد و نهادها بین سایر مسائل ارتباط ایجاد می‌کنند و به بازیگران این انگیزه را می‌دهند که به موافقت‌نامه‌های دوجانبه سودمند دست یابند. وضعیتی به‌وجود می‌آید که دولت‌ها منافع مشترک و منافع متضاد خواهند داشت. این وضعیت بیشتر پیرامون مسائل اقتصادی به‌وجود می‌آید. (۲۲) کوهین می‌افزاید در زمینه‌های نظامی دولت‌ها به قواعد و اصول دل بسته‌اند و حتی در برخی موارد خط مشی‌های داخلی خود را تحدید کرده‌اند. اگرچه دولت‌ها ابتدا برای افزایش

قدرت و تضمین منافع ملی به رژیم‌ها ملحق می‌شوند لیکن بعداً طبق تئوری «عقلانیت محصور» خواسته‌های مادی خود را جهت پیشبرد همکاری می‌کاهند. (۲۳)

در بعد امنیت، رژیم‌ها به اندازه رژیم‌های اقتصادی موفقیت نداشته‌اند اما برخلاف این نظریه که دولت‌ها برای ایجاد اتحاد نظامی گرد هم می‌آیند، گاهی نیز برای پیش‌گیری از جنگ تشکیل «کنسرت» می‌دهند که سابقه آن را باید در «کنسرت اروپا» جستجو کرد. کنسرت اروپا به مدت هفت سال بین سال‌های ۱۸۲۲-۱۸۱۵ پس از شکست ناپلئون بر اروپا حاکم بود و به صورت کنفرانس‌های موقت تا جنگ اول جهانی هر از گاهی تشکیل می‌شد. کنسرت مذکور مجموعه‌ای از معاهدات و موافقت‌نامه‌های چندجانبه میان دولت‌های بزرگ (بریتانیا، روسیه، اتریش، پروس و فرانسه بود و آنها را ملزم می‌کرد که جهت رفع هرگونه ابهام گرد هم آیند تا بدین ترتیب از محاسبات نادرست از منافع حیاتی که ممکن بود منجر به جنگ شود اجتناب نمایند. به‌ویژه آنکه انقلاب فرانسه نقطه‌های ملی‌گرایی را در کشورهای اروپایی کاشته بود. دولت‌های اروپایی از ظهور جمهوری‌های رادیکال به شدت نگرانی داشتند. تشکیل این کنسرت هم از دیدگاه مردم که مدعی بودند حاکمیت از آن مردم است و هم از دیدگاه سیطره فرانسه لازم به نظر می‌رسید. رابرت جرویس با استفاده از کنسرت اروپا به وجود رژیم امنیت بین آمریکا و شوروی سابق اشاره می‌کند (۲۴) و جوزف نای از تجربیات این دو کشور به عنوان یک رژیم امنیت یاد می‌کند و اقدامات اعتمادسازی بررسی می‌شود. (۲۵) یانگ و پیتز هس، لیتون کالدول، گارت پورتر، جان و لث براون، سایمن براون، ریچارد بندیک، آبراهام چیس در زمینه رژیم‌های زیست محیطی فعالند. (۲۶)

مهم‌ترین نقش رژیم‌های بین‌المللی در ایجاد همکاری بین دولت‌ها است. یعنی رژیم‌ها به عنوان یک ابزار و مکانیزم، چرخ همکاری را بین دولت‌ها چرب می‌کنند. باعث می‌شوند آن عامل عدم اطمینان و نامعلومی^۱ که در نظام بین‌الملل وجود دارد کاهش پیدا کند. به همین دلیل آن دیدگاه‌های واقع‌گرایانه که در بازی معمای زندانی وجود دارد تجدید نظر می‌یابد یعنی اگر رژیمی بین دو زندانی وجود داشته باشد و به هر

دو زندانی اطمینان دهد که دیگری اعتراف ننموده است، همکاری بین دو زندانی صورت می‌گیرد و هیچ‌کدام اعتراف نمی‌کنند و قاضی نیز که مدرکی علیه آنها ندارد ناگزیر است آنها را آزاد نماید. اما واقع‌گرایان آن دو زندانی را در غیاب رژیم مطرح می‌سازند و به همین دلیل است که همکاری بین دو زندانی آسیب‌پذیر می‌گردد. فلذا اطلاعات بین دو زندانی مهم است یعنی اگر اطلاعات به هر دو زندانی برسد، همکاری انجام می‌گیرد. در واقع رژیم‌های بین‌الملل آن اطلاعات را در نظام بین‌الملل ارائه می‌دهند. باعث می‌شوند که دولت‌ها منافع خود را بازنگری نمایند. همین استدلال را در قضیه شکارگوزن (ژان ژاک روسو) می‌توان ارائه نمود.

۴- تغییر رژیم‌های بین‌المللی

رژیم‌های بین‌المللی پس از ایجاد همکاری به نظم^۱ و ثبات^۲ سیستم کمک می‌کنند. در واقع مطالعه رژیم‌های بین‌المللی به مطالعه ثبات سیستم کمک می‌کند اما چون هیچ پدیده‌ای علی‌الابد ثابت نمی‌ماند، رژیم‌ها نیز برای ابد ثابت نیستند بلکه تغییر^۳ پیدا می‌کنند. حال چه عواملی باعث تغییر رژیم‌های بین‌المللی می‌شوند یکی از بحث‌های اصلی این ادبیات می‌باشد. برای تغییر رژیم‌های بین‌المللی رهیافت‌های نظر متفاوتی وجود دارد. مثلاً هگرد و سایمنز^۴ ادبیات مربوط به ایجاد و تغییر رژیم رابه چهار دسته تقسیم می‌کنند: نظریه‌های ساختاری، نظریه‌های بازی‌ها، نظریه‌های کارکردگرایی و بالاخره نظریه‌های شناختی. (۲۷) نگارنده این تقسیم‌بندی را در سطح وسیع‌تر و در چارچوب چهار مکتب مهم روابط بین‌الملل که در جدول مذکور آورده شده است بیان می‌دارد.

هر یک از چهار مکتب فوق دیدگاه‌های خاص خود را نسبت به تغییر رژیم می‌دانند مثلاً برای واقع‌گرایان علل اصلی تغییر رژیم ساختار قدرت^۵ و جنگ^۶ می‌باشد.

1. Order

2. Stability

3. Change

4. Haggard and Simmons

5. Power Structure

ساختارگرایان تغییر رژیم را منوط به تغییر قدرت در نظام بین‌الملل می‌دانند. این نویسندگان براساس نظریه ثبات مبتنی بر سیطره که ذیلاً به صورت جداگانه شرح خواهیم داد استدلال می‌کنند که تشکیل رژیم‌ها، تداوم رژیم‌ها و تغییر رژیم‌ها و یا تضعیف رژیم‌ها عوامل وابسته به قدرت می‌باشند.

نویسندگانی نیز هستند که نظریه‌بازی‌ها را تعدیل نموده و نشان می‌دهند که چگونه در شرایط هرج و مرج و با وجود اینکه هیچ‌گونه قوانین و مقررات فراملی بین دولت‌ها وجود ندارد، برخی از دولت‌ها با هم همکاری نموده و ایجاد رژیم می‌کنند. رابرت اکسل راد، کنت اوی، آلفرد گروسر، بروس کامینگز، دانکن لوس و هاورد رایفا در خصوص نظریه بازی‌ها و رژیم‌های بین‌المللی کمک‌های شایانی کرده‌اند. (۲۸)

درحالی که پیروان مکتب وابستگی متقابل علاوه بر موارد فوق به ساختار موضوعی^۷ و ساختار تکنولوژی^۸ و سازمان‌های بین‌المللی^۹ اشاره می‌نمایند. عده دیگری که به نظریه پردازان شناختی^{۱۰} معروف شده‌اند کسانی هستند که در تشکیل، تداوم، تضعیف و تغییر رژیم‌های بین‌المللی به نظام عقیدتی، ایدئولوژی، دانش و اطلاعات اشاره می‌نمایند. نگارنده این نویسندگان را در مکتب جهان وطن‌انگاری قرار می‌دهد. آنان معتقدند که تشکیل، تداوم، تضعیف و تغییر رژیم به شناخت، ایدئولوژی، نظام فکری تصمیم‌گیرندگان و بازیگران بستگی دارد. حتی در میان آنها کسانی هستند مانند لارسون و رابرت جرویس که رهیافت روان‌شناختی داشته و برداشت‌های صحیح و نادرست را در رژیم‌های بین‌المللی مؤثر می‌دانند. همکاری متغیر وابسته به ارزش‌های بازیگران است و بدون فرایند فراگیری، کسب اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن اطلاعات امکان‌پذیر نیست. به‌عنوان مثال، جان راگی نقش قدرت را مورد انتقاد قرار داده و می‌گوید اهداف اجتماعی مهم‌تر از قدرت می‌باشد در ادامه می‌گوید پس از رکود اقتصادی بین دو جنگ جهانی لیبرالیسم به عنوان یک هدف اجتماعی مورد توجه

6. War

7. Issue Structure

8. Technology Structure

9. International Organization

10. Cognitive

بازیگران قرار گرفت و یا اینکه هس به «فراگیری» و نقش آن در یادگرفتن از تجربه های خوب اشاره می کند و این در حالی است که ساختارگرایان معتقدند «فراگیری» از کارهای بد هم وجود دارد و بازیگران از طریق تقلب یاد می گیرند که چگونه برای رسیدن به منافع شخصی از همکاری طفره روند. (۲۹)

بالاخره عده ای نیز با الهام از مکتب مارکسیسم همانند دیالکتیک وجود تناقض^۱ در رژیم ها را باعث تغییر می دانند. تحلیل مارکسیست ها از نظام سرمایه داری این است که نطفه انقراض سرمایه داری در خود آن نهفته است. در ادبیات رژیم های بین المللی به تضاد درونی توجه خاص شده است. مبارزه طبقاتی و تنش میان نیروها عامل اصلی تغییر تلقی می گردد و مارکسیست ها نشان می دهند که مثلاً رژیم ارباب و رعیتی به وجود می آید و سپس محو می شود، چگونه دهقانان و کشاورزان مثلاً در دهکده اکسن^۲ در مکزیکوسی تی در اثر تعارض نیروهای داخلی تغییر پیدا می کنند و ارتباطات فرهنگی نقشی در این دگرگونی ایفا نمی کنند. به همین ترتیب، گاهی نویسندگان بسیار محافظه کار رژیم های بین المللی مانند یانگ نیز به این تضاد درونی استناد می کنند. در خصوص رژیم های امنیت و تضاد درونی می توان به مدل ریچاردسون اشاره نمود. کنت باولدینگ^۳ پژوهش جالبی در این زمینه دارد و مدل ریچاردسون را برای تحلیل مسابقات تسلیحاتی به کار برده است. رابین استدلالات دیالکتیکی جالبی در این زمینه ارائه کرده است. (۳۰) اما به عنوان مثال، برای روشن شدن مطلب در خصوص رژیم های بین المللی و تضاد درونی می توان به معاهده ۱۹۲۰ سوالبارد^۴، گات^۵ و خود منشور سازمان ملل اشاره نمود. معاهده سوالبارد از یک طرف به اعضای معاهده حق استفاده از منابع جغرافیای مورد بحث را بی قید و شرط تفویض می نماید و از طرف دیگر اعطای حاکمیت مطلق به یک کشور را مجاز نمی داند. گات در ماده ۱ به تجارت آزاد تکیه می کند و در ماده ۲۴ ترتیبات منطقه ای را برای کشورهای منطقه مجاز می داند. منشور سازمان

1. Contradiction

2. Oxen

3. Kenneth Boulding

4. Savalbard Treaty

5. GATT

ملل از یک طرف اصل حاکمیت را مقدس‌ترین اصول می‌داند و از طرف دیگر در صورت بروز جنگ داخلی در یک کشور (به طریقی که امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای را بی‌ثبات نماید) شورای امنیت اجازه دخالت اقتصادی و نظامی علیه آن کشور مستقل (برخلاف اصل حاکمیت) را دارد. برای اینکه رژیم تغییر کند باید تغییر در اصول باشد نه در قواعد زیرا تغییر در قواعد تغییر در داخل رژیم است. لیکن قبل از تغییر رژیم، تحلیل‌گران ابتدا یک سؤال را مطرح می‌کنند: رژیم‌ها تحت چه شرایطی ایجاد می‌شوند؟

۵- چگونه تشکیل رژیم‌ها^۱

تحلیل‌گران رژیم‌های بین‌المللی معتقدند که برخی از رژیم‌ها نهاد‌های اجتماعی هستند و در همه جا وجود دارند. مثلاً هاپ‌کینز و پوچلا (۳۱) معتقدند هر رفتاری ایجاد رژیم می‌کند و بنابراین ایجاد رژیم‌ها ممکن است تکاملی یا تصادفی بوده باشد. حال آنکه عده‌ای دیگر رژیم‌های بین‌المللی را به صورت تقسیم‌بندی‌های زیر ارائه می‌دهند: رژیم‌های قراردادی، رژیم‌های تحمیلی، رژیم‌های مذاکره‌ای، رژیم‌های قهری، رژیم‌های ارادی، رژیم‌های مشروع، رژیم‌های مطلوب، رژیم‌های نیک‌نهاد، رژیم‌های بدنهاد (۳۲). به نظر نگارنده باید دید هر نظریه پرداز راجع به فرایند تشکیل رژیم‌های بین‌المللی چگونه فکر می‌کند. از این لحاظ مشکل می‌توان گفت که یک نظریه‌پرداز چقدر در فرضیه خود صراحت دارد. مثلاً در خصوص اینکه رژیم‌های بین‌المللی تحمیلی^۲ هستند یا اختیاری^۳، برخی از متفکرین قادر به شناسایی مرز خاص نیستند. مثلاً در افکار اندیشه‌های ژان ژاک روسو و هابس هر دو رهیافت تحمیلی و اختیاری مشاهده می‌شود. اما روسو قرارداد اجتماعی را بیشتر براساس رضایت قبول دارد تا نقش قدرت در حالی که هابس غالباً نقش قدرت را عامل اصلی برای تحمیل قرارداد می‌داند و می‌گوید اگر من پولم را به سارقی تسلیم کنم تاجانم را رها کنم یک قرارداد بسته‌ام، ملزم به اجرای آن قرارداد هستم و باید اجرا کنم. اگر شکایتی دارم باید بعداً به پلیس مراجعه کنم. (۳۳) اما

1. Regime formation

2. Imposed

3. Consent - based

اصولاً می‌توانیم یک طبقه‌بندی تقریبی از چهار مکتب راجع به نحوه تشکیل رژیم‌های بین‌المللی انجام دهیم بدین ترتیب که رئالیست‌ها رژیم‌های بین‌الملل را تحمیلی می‌دانند، نویسندگان وابستگی متقابل به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول با رئالیست‌ها اتفاق نظر دارند در حالی که گروه دوم رژیم‌ها را اختیاری تلقی می‌کنند. نویسندگان وابستگی به طور مستقیم رژیم‌های بین‌المللی را مطالعه نمی‌کنند اما معتقدند که قدرت اقتصادی عامل اصلی برای ایجاد اصول و قواعد می‌باشد و در آن شکل یا شیوه تولید و تجارت نقش حساس دارد. مکتب جهان وطن‌انگاری یا ایده‌آلیسم رژیم‌ها را تحمیلی نمی‌داند. جمعی از نویسندگان در کتاب رژیم‌های بین‌المللی که با ویرایش کرسنر انتشار یافت دیدگاه‌های متفاوتی ایراد کردند. در آنجا نیز تحمیلی بودن و یا تحمیلی نبودن چندان شفاف نیست اما اکثر نویسندگان به تحمیلی بودن رژیم‌ها معتقد بودند. برخی‌ها هم بعضی از رژیم‌ها را تحمیلی و برخی دیگر را اختیاری، ارادی، مذاکره‌ای تلقی نمودند اما کرسنر آنها را به سه طبقه و به شرح زیر تقسیم کرد.

۶- طبقه‌بندی کرسنر از ادبیات رژیم‌های بین‌المللی

نویسندگان رژیم‌های بین‌المللی به سه طبقه تقسیم می‌شوند: ساختارگرایان، پیروان گرسیوس و ساختارگرایان تعدیلی.

الف. ساختارگرایان: رژیم‌های بین‌المللی را به عنوان یک متغیر وابسته به قدرت تلقی می‌نمایند. تمام واقع‌گرایان سنتی و حتی نئورئالیست‌ها جزء این دسته به شمار می‌آیند. نقطه ضعف این دسته آن است که هیچ نقشی به رژیم‌ها نمی‌دهند. رژیم‌ها آلت دست قدرت‌های بزرگ هستند. آنها هستند که این قواعد را می‌نویسند.

والتز به عنوان مثال می‌گوید ساختار سیاسی دارای سه بعد است. از سه بعد ساختارگرایی یعنی توزیع قدرت، اصل نظم‌دهنده و وظایف واحدها (دولت‌ها). تمام کشورها در دو بعد اول و دوم با هم مشترک هستند یعنی اصل نظم‌دهنده در غیاب دولت بین‌المللی هرج‌ومرج است که برای تمام کشورها یکسان است و وظایف دولت‌ها نیز یکسان است. آنچه که با هم یکسان نیست همان توزیع قدرت است و فقط توزیع قدرت مهم است. وی در تحلیل ساختار سیاسی بین‌المللی می‌گوید:

ما نمی‌پرسیم که آیا دولت‌ها انقلابی‌اند یا مشروع، خودکامه‌اند یا دموکراتیک، ایدئولوژیک هستند یا پراگماتیک. از هر نوع خواص دولت‌ها، غیر از قدرتشان صرف نظر می‌کنیم... آنچه که می‌ماند تصویری از موقعیت آنهاست... که برحسب استقرار واحدها و نه بر حسب کیفیت آنها نوشته شده است. (۳۴)

طبق نظریه والتز این کشورها هستند که «صحنه‌آرایی می‌کنند» و «نمایشنامه‌ها را به صحنه می‌آورند» (۳۵) چرا که دولت‌های قدرتمند هستند که قواعد غیر رسمی ایجاد می‌کنند و یا با دخالت‌های فعالانه قواعدی را که «دیگر برایشان مناسب نیست تغییر می‌دهند». (۳۶) نهادهای بین‌المللی در «سیستم خودیاری» مؤثر نبوده و همکاری آسیب‌پذیر است. لذا رژیم‌ها به‌عنوان مکانیزم همکاری آسیب‌پذیر هستند.

ب. پیروان گروسوس: که رژیم‌های بین‌المللی را به‌عنوان یک متغیر مستقل می‌پندارند. نقطه ضعف این گروه این است که یا آفریننده‌ای برای رژیم‌ها در نظر گرفته نمی‌شود (چرا که معتقدند به صورت نهاد اجتماعی موجودیت دارند و به صورت تکاملی حیات داشته‌اند) و یا اینکه آفرینندگان و مؤسسين رژیم‌ها هیچ‌گونه کنترل و یا اختیاری بر رژیم‌ها ندارند.

بنا به استدلال پوچلا «هر سیستم سیاسی، خواه سازمان ملل، ایالات متحده آمریکا، شهر نیویورک یا انجمن علوم سیاسی آمریکا رژیم مطابق خود دارد. این تئوريسين‌ها هرج و مرج بین‌المللی و خودپرستی را نادیده می‌گیرند. رژیم‌ها عوامل علی فرض شده و علل واقعی تشکیل رژیم‌ها بررسی نمی‌شود و نقش قدرت از تحلیلشان به‌کلی محو می‌شود. پوچلا و هاپ کینز از این گروه هستند. یانگ دقیقاً در این گروه نمی‌گنجد چرا که موضوع رژیم‌های تحمیلی را مطرح کرده و به نقش قدرت توجه دارد.

ج - ساختارگرایان تعدیلی: رژیم‌ها را به‌عنوان متغیر دخیل و میانی با واسطه می‌دانند. اینها معتقدند که رژیم‌ها جدا از قدرت نیستند. ولی در اثرگذشت زمان مؤسسين رژیم قادر به کنترل کامل رژیم‌ها نخواهند بود و رژیم‌ها رفته‌رفته به استقلال نزدیک می‌شوند اما هرگز استقلال کامل نخواهند یافت. رژیم‌ها بر طبق این نظریه متغیرهایی بین قدرت و دستاورد بوده و می‌توانند بر رفتار بین‌المللی بازیگران تأثیر گذاشته و تعریف دیگری برای منافع ملی آنها ارائه دهند. رژیم‌ها ابتدا مانند بذر توسط

دهقانان یا کشاورزان کاشته می‌شوند. در وهله نخست مانند گیاهان موجوداتی هستند بسیار ضعیف ولی پس از گذشت زمان تبدیل به درختان تنومند می‌شوند و برای خود ایجاد رویه قضایی می‌کنند. رابرت کوهین، آرتورستین، رابرت جروس، جان راگی، چارلزلیس سن و بنجامین کوهن از این دسته به‌شمار می‌آیند. نگارنده نیز جزء این گروه است. به نظر نگارنده از وجود نظم در کائنات انسان به وجود خداوند قادر مطلق پی می‌برد. اوست که به عنوان مؤسس رژیم کائنات خالق نظام است. اوست که اصول، هنجارها و قواعد را ایجاد نموده است اما انسان نیز مانند گیاه در رشد و رسیدن به کمال مسئول است.

۷- تداوم و قوت رژیم‌ها^۱

قوت رژیم‌ها میزان رعایت و اجرای قواعد رژیم است و در واقع به قدرت دولتی بستگی دارد که رژیم را ایجاد می‌کند. مطابق تئوری ثبات مبتنی بر سرکردگی (سیطره) که ذیلاً شرح داده خواهد شد، قوت رژیم به قواعد رژیم و کالاهای همگانی مربوط می‌شود ولی مطابق تئوری بازی‌ها این قوت به بازنگری منافع ملی بستگی دارد. شاید مفهوم و ضعف رژیم‌های بین‌المللی را در سئوالی که برتون ساتن و مارک زاچر در تحقیق خود پیرامون تکامل رژیم‌های کشتی‌رانی بین‌المللی مطرح می‌کنند بهتر دانست آنها می‌پرسند چه چیزی در دنیا منظم شده و چه چیزی نامنظم است و چرا؟ (۳۷) آگاروال رژیم را قوی می‌داند که بتواند رفتار کشورها را منظم کند. وی تغییرات مربوط به قوت رژیم نساجی بین‌المللی بین ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ را مورد مطالعه قرار داده و نتیجه می‌گیرد که این رژیم پس از قرارداد^۲ ۱۹۷۷ ضعیف‌تر شده است. (۳۸) جوزف نای در مطالعه خود راجع به همگرایی منطقه‌ای استدلال نمود که همگرایی رابطه مستقیم با قدرت رژیم‌ها دارد. (۳۹) تمرکز قدرت باعث می‌شود قواعد قوی وضع شود و ثبات سیستم بیشتر شود و انکسار قدرت قواعد را ضعیف می‌کند و سیستم دچار بحران می‌شود. به نظر نگارنده قوت رژیم نه تنها به قواعد رژیم بلکه به توان ایجاد

کالاها همگانی^۱ و ضعف رژیم نیز علاوه بر قواعد ضعیف بر تولید کالاها^۲ بستگی دارد. کالای بد مانند آلودگی محیط زیست.

۸- انواع و دامنه رژیم‌ها

بسیاری رژیم‌ها را به عنوان قواعد، اصول، و رویه یا هنجار تعریف می‌کنند حال آنکه عده‌ای دیگر تمایل دارند رژیم‌ها را به عنوان قرارداد معرفی کنند و نیز برخی هم به مثابه سازمان‌های بین‌المللی تلقی می‌کنند. برای عمده نویسندگان نیز قبول یا پذیرش «رسمی» یا «غیررسمی»، «صریح» یا «ضمنی» هر گونه وعده، میثاق و رفتار یک رژیم نامیده می‌شود. مثلاً رژیم ارباب و رعیت، رژیم پرداخت غرامت، رژیم پولی طلا، رژیم پولی پوند و استرلینگ، رژیم پولی دلار، رژیم پولی یورو، رژیم پولی شناور، رژیم تجاری گات^۳، رژیم تجارت جهانی^۴، رژیم صندوق بین‌الملل پول^۵، بانک جهانی^۶، رژیم کنترل صادرات تکنولوژی، رژیم تحریم‌های اقتصادی، رژیم کنترل اطلاعات، رژیم کپی رایت و غیره.

مطالعه تمام اینها از این لحاظ مهم هستند که اولاً اصول، قواعد، هنجارها و رویه‌هایی در این زمینه در حال تنظیم شدن می‌باشند. چه کسانی این قواعد را می‌نویسند؟ چرا می‌نویسند؟ منافع کدام کشورها در این قوانین محفوظ می‌باشد؟ و کدام کشورها متضرر می‌شوند؟ تأثیر این رژیم‌ها بر ثبات و صلح بین‌المللی چیست؟ کدام کشورها عضو این رژیم‌ها شده‌اند، کدام کشورها نپذیرفته‌اند، عواقب نپذیرفتن این رژیم‌ها چه خواهد بود؟ اگر دولتی عضو یک رژیم بشود و سپس تخلف و تقلب کند چه خواهد شد؟

دامنه^۷ رژیم‌ها از مسائلی صحبت می‌کنند که رژیم‌ها حاوی هستند. امروزه رژیم زیست محیطی، رژیم دریاها، رژیم نفت، رژیم پولی، رژیم امنیت، رژیم فضایی، رژیم

1. Public goods (public utility).
2. Public bads.
3. GATT
4. WTO
5. IMF
6. World Bank
7. Scope

هوانوردی، رژیم عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای، رژیم حقوق بشر و رژیم منابع طبیعی، از جمله رژیم‌های مطروحه می‌باشند.

۹- شکل تخصیص منابع

دو نوع مکانیزم اجتماعی برای تخصیص منابع وجود دارند. الف. مدل بازار که در واقع از نظریه‌های وابستگی متقابل استفاده نمود، و تکیه بر حقوق مالکانه دارد. این مکانیزم کنترل دولت را ناروا می‌داند و بر عکس بخش خصوصی را تقویت می‌نماید. رژیم‌های مورد استناد غالباً در رابطه با قراردادهای خصوصی بین شرکت‌ها و یا بین شرکت‌ها و دولت است. از آنجا که بخش خصوصی چرخ همکاری را چرب می‌کند و بخش دولتی ایجاد تنش می‌کند و مسائل سیاسی دخیل می‌شود لذا این مدل به سیستم‌های آزاد تجاری معتقد است. از این دیدگاه باید گفت به نظر این نویسندگان تمام ترتیبات تجاری از ناحیه بخش خصوصی دارای ساختارهایی مبتنی بر حقوق مالکانه می‌باشند.

مکانیزم دیگر بخش دولتی است که کنترل مستقیم منابع توسط دولت‌ها انجام می‌گیرد. برای تفکیک این دو حوزه باید موضوعات تقسیم‌بندی شوند. همان‌طوری که فوقاً ذکر شد همکاری بیشتر در موضوعات مربوط به بخش خصوصی است اما رژیم‌های مربوط به بخش دولتی نیز بحث‌های جدی داشته است. به عنوان مثال غالب مناظره‌های بین شمال و جنوب حول محور نظام جدید اقتصاد بین‌الملل از نوع دوم مکانیزم یعنی دولتی می‌باشد.

۱۰- بازیگران

بازیگران ممکن است دولت‌ها، بازیگران شخصی، افراد، شرکت‌های چندملیتی، و یا سازمان‌های بین‌المللی باشند. ولی به طور کلی بازیگران اصلی دولت‌ها هستند. و رژیم‌های بین‌المللی در خدمت دولت‌ها هستند. البته باید دید کدام شاخه از تئوری‌ها مقصود است. در برخی از تئوری‌ها قدرت مانور برای رژیم زیاد و در برخی دیگر نقش رژیم‌ها ناچیز است. اما ال‌نهاییه این رژیم‌ها هستند که به عنوان یک متغیر واسطه بین قدرت و دستاورد آن عمل می‌کنند و این رژیم‌ها هستند که ایجاد اقدامات امنیت و

اعتمادسازی^۱ می‌نمایند. بنا به نوشته اکسل راد سایه آینده همواره با دولت‌ها خواهد بود (۴۰) هر قدر رژیم‌ها رشد پیداکنند، عامل ترس^۲ که بنا به گفته رئالیست‌ها مهم‌ترین عامل جنگ است کاهش پیدا می‌کند. یعنی با رشد رژیم‌های امنیت نیاز به اتحادهای نظامی کم می‌شود. فروش تسلیحات که در مکتب رئالیسم نشانگر اتحادهای نظامی است (چراکه دولت‌ها هرگز به دشمن خود اسلحه نمی‌فروشند. ممکن است به دشمن خود گندم بفروشند ولی فروش تسلیحات فقط به متحدین نظامی امکان‌پذیر است مگر مقطعی برای اهداف امنیتی بالاتر از قبیل فروش مقطعی تسلیحات به ایران در دوران جنگ توسط دولت ریگان معروف به^۳ کاهش پیدامی‌کند. البته یک تحلیل‌گر رژیم امنیت باید نهایت احتیاط را در تحلیل‌های خود از رژیم‌های امنیت به کار ببرد، چراکه رژیم امنیت تفاوت فاحشی با سایر رژیم‌های اقتصادی دارد. نگارنده در جای دیگر نشان داده است که رژیم امنیت صرفاً یک قرارداد نیست و نمی‌توان مثلاً معاهدات کنترل تسلیحات را یک رژیم امنیت تلقی نمود. رژیم امنیت ترکیبی است از بازدارندگی و کنترل تسلیحات. (۴۱) آن کشور دارای توان هسته‌ای که بازدارندگی را نفی می‌کند و شتابان معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (C.T.B.T.) را می‌پذیرد در واقع رژیم امنیت برای خود ایجاد نکرده است بلکه خود را در نظام بین‌الملل خلع سلاح کرده است و بهاء آن را باید پرداخت نماید.

۱۱- سطح تحلیل

اکثر نویسندگان از سطح تحلیل کلان یا سیستم^۴ استفاده کرده‌اند علت این امر آن است که اصولاً رژیم‌های بین‌المللی در سطح فراملی مطالعه می‌شوند و تأثیر آنها بر نظام بین‌الملل مورد نظر است. در مواردی که ساختار داخلی دولت‌ها مورد نظر است سطح تحلیل خرد استفاده می‌شود.^۵ در خصوص رژیم‌های منطقه‌ای از

1. CSBMs

2. Fear

3. Iran - Contra Affair

4. System levels

5. Unit levels

سطح تحلیل^۱ استفاده می‌شود. در تحلیل‌های خرد^۲ یعنی حتی از ساختار فردی، روان‌شناختی و بحث ژن‌ها و روانشناسی استفاده شده است و بدین ترتیب تحلیل‌های سطوح چندگانه^۳ مصداق دارد.

فریدن، گوآ و پیترکت زنستین از سطح تحلیل خرد استفاده کرده‌اند که در اینجا به آثار کت زنستین که شناخته شده‌تر است اشاره می‌شود.

پیترکت زنستین می‌گوید: «ساختار داخلی دولت یک متغیر مداخله‌کننده مهمی است که بدون آن رابطه بین وابستگی متقابل بین‌المللی و استراتژی‌های سیاسی را نمی‌توان درک کرد». وی شش کشور صنعتی را از ضعیف به قوی از حیث رابطه دولت‌هایشان با جوامع آنها مورد بررسی قرار می‌دهد و ایالات متحده آمریکا را به عنوان ضعیف‌ترین دولت در مقابل جامعه‌اش در نظر می‌گیرد. این تحلیل با دیدگاه‌های میگدال^۴ که دولت‌های توسعه‌یافته را در مقابل جوامع آنها قوی و دولت‌های در حال توسعه را در مقابل جوامع آنها ضعیف می‌داند منافات دارد. نگارنده با دیدگاه میگدال موافق است و اگر دولت آمریکا در مقابل جامعه‌اش ضعیف است به خاطر رشد دموکراسی است که از بالا به پائین توسط خود دولت ایجاد شده است. اما خود آن دولت قوی است چرا که بواسطه یک طبقه سرمایه‌دار حاکم دولت‌سازی شده است. حال آنکه در جهان سوم دولت در قید و بند بلوک‌های قدرت است که ایجاد شبکه‌های شبه تار عنکبوتی کرده‌اند و بلوک‌های قدرت مستقیماً از جامعه تغذیه می‌کنند و استراتژی بقای جدا از دولت دارند. دولت قادر به کسب استقلال از بلوک‌ها و باندهای قدرت نیست.

کت زنستین در اثر بعدی خود نیز سطح تحلیل خرد یا واحد را در مورد سوئیس و اثریش به کار می‌برد و از اولی به عنوان «سرمایه داری لیبرالی» و از دومی به عنوان «سوسیالیسم دموکراتیک» یاد می‌کند و واکنش مختلف هر دو جامعه را در مقابل بازار بین‌المللی متغیر ارزیابی می‌کند و در تمام این موارد بر عوامل داخلی تکیه می‌کند. علی‌رغم این نوشته‌ها، ادبیات رژیم‌های بین‌المللی همچنان به سطح تحلیل کلان‌گرایش دارد.

1. Sub - Syster

2. Sub - Unit

3. Multi - levels

4. J. Migdal.

دوشاخه تئوری برای تحلیل رژیم‌ها به‌عنوان توجیه رژیم‌های همکاری بیش از نظریه‌های دیگر به‌کار رفته است:

الف - تئوری بازی‌ها و ارتباطات است که از اقتصاد اشتقاق می‌یابد. هسته اصلی این شاخه این است که بازیگران در کار دسته‌جمعی یعنی در رفتار همکارانه دست آورد بیشتری خواهند داشت تا اینکه خود جداگانه تلاش ورزند. درست مثل معمای زندانی یا قضیه شکارگوزن با این تفاوت که اگر این بازی تکرار شود و اطلاعات در اختیار بازیگران گذاشته شود شانس بیشتری برای همکاری وجود دارد. مطابق تئوری بازی‌ها که در واقع یک تعامل استراتژیک بین بازیگران در علم ریاضیات است «ضرورت دیدار» و «سایه آینده» تغییر «بازدهی و اعمال جزا یا پاداش»، «تعلیم بازیگران»، عمل «مقابله به مثل» یا «اعمال گذشت» و توان «شناخت سوابق بازیگران» از جمله موارد مهم در نظریه بازی‌هاست و در مطالعه رژیم‌های بین‌المللی مطرح می‌باشند. ب - تئوری ثبات مبتنی بر تهاجم یا سیطره که لازم است به‌طور جداگانه بحث شود زیرا این تئوری قسمت عمده ادبیات رژیم‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.

۱۲- تئوری ثبات مبتنی بر تهاجم (سیطره یا سرکردگی)^۱

طرفداران تئوری ثبات مبتنی بر تهاجم یا سیطره استدلال می‌کنند که اقتصاد آزاد در سطح جهان مستلزم یک قدرت مهاجم و غالب است. (۴۲) دنیا باید دارای یک سرکرده یا رهبر باشد به نحوی که فقط او سیطره خود را در سراسر جهان بگشاید و نظام جهانی یکسانی ایجاد نماید.

کوهین می‌گوید: «سیطره ضروری است چرا که ساختار تهاجمی قدرت به‌دست کشور واحد موجب ایجاد رژیم‌های بین‌المللی قوی می‌شود، رژیمی که قواعدش نسبتاً دقیق بوده و اطاعت می‌شود». کوهین می‌افزاید: «سلطه یک کشور واحد بر دنیا جزء لاینفک تئوری می‌باشد» (۴۳). کیندلبرگر تصریح کرده و می‌افزاید «برای اینکه دنیا ثبات داشته باشد، باید یک ثبات دهنده و فقط یک ثبات دهنده باشد». (۴۴)

- یک رهبر یا مهاجم و یا سرکرده باید دارای شرایط زیر باشد:
- الف: بر مواد خام کنترل داشته باشد.
- ب: بر بازار به خصوص از لحاظ واردات کنترل داشته باشد و کالاهای سایر کشورها را به بازار داخلی خود وابسته کند.
- ج: بر منابع سرمایه کنترل داشته باشد.
- د: بر کالاهایی که دارای ارزش افزوده بالا می باشند کنترل داشته باشد.
- ه: دارای یک ایدئولوژی مردم پسند باشد مانند حقوق بشر و دموکراسی و نباید تبلیغات نژادپرستانه داشته باشد.
- و: بر تسلیحات نظامی هسته‌ای کنترل داشته باشد.
- ز: «قادر» و «مایل» به رهبری باشد.
- ح: اقتصاد لیبرال را ترویج و سیاست‌های اقتصادی حمایتی و تعرفه‌ها را پیش‌گیری نماید.
- ط: بر بازار سهام و نرخ ارز کنترل داشته باشد.
- مطابق این نظریه قدرت سیطره جو باید ثبات سیستم را چنان حفظ کند که اقتصاد آزاد در دنیا «کالاهای همگانی یا عمومی» ارائه دهد. بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، دلار آمریکا و گات نمونه‌هایی از این کالاهای عمومی می باشند. (۴۵) مهاجم نهایت نفوذ و اهتمام خود را برای ایجاد رژیم‌های بین‌المللی به کار می برد ولی باید توجه داشت که هدف اولیه قدرت سیطره جو همانا حمایت از منافع ملی خود می باشد. (۴۶)
- کالاهای همگانی^۱ یا عمومی^۲ با الهام از علم اقتصاد وارد اقتصاد سیاسی بین‌المللی و بحث رژیم‌ها شده است. در واقع رهبر، سرکرده یا مهاجم^۳ در درجه نخست این کالاها را برای منافع شخصی خود ایجاد می کند اما گفته می شود که مانند شهرداری است که خانه عده‌ای را ویران می کند تا پیاده‌رو، پارک و خیابان برای عموم ایجاد کند. مثلاً در بحث رژیم‌های نفتی ادعا می شود که پایین نگه داشتن قیمت نفت ممکن است به ضرر

1. Public goods

2. Public Utility

3. Hegemon

کشورهای صادرکننده نفت باشد ولی اکثر کشورها مصرف‌کننده‌اند فلذا این کالا در اختیار عموم قرار می‌گیرد و ارزان بودن این قبیل کالاها برای کشورهای واردکننده نفت در جهان سوم اهمیت حیاتی دارد. لیکن این بحث وارد قضیه جدی‌تر نمی‌شود که این کالای عمومی پس از واردات به کشورهای صنعتی مجدداً به صورت کالاهای گران قیمت در آمده و به کشورهای درحال توسعه با قیمت سرسام‌آور فروخته می‌شود. پس ملاحظه می‌شود که جنبه‌های جبری، تحمیلی قضیه درتحلیل کالاهای همگانی نادیده گرفته می‌شود و جای آن را مساوات، برابری و عدالت می‌گیرد. نگارنده در جای دیگر به نقد این مطلب پرداخته است. (۴۷) از طرف دیگر در کنار آنها کالاهای بد نیز تولید می‌شود. آلودگی‌های زیست‌محیطی و آفات مدرنیزاسیون از جمله این کالاهای بد می‌باشند.

رژیم‌ها ممکن است «نیک نهاد» یا «بدنهاد» «ارادی» یا «اجباری» باشند. کوهین و گلین گفته‌اند که رژیم‌های بین‌المللی منازعات را تحدید نموده، برابری را تضمین کرده و موجب تسهیل موافقت‌نامه‌ها می‌شوند. گلین می‌افزاید اگر اقتصاد آزاد جهانی بخواهد بقا داشته باشد، باید رهبر، سرکرده یا مهاجم قادر و مایل باشد که به سرعت در مقابل تهدیدهای سیستم واکنش نشان دهد. (۴۸) مطابق این استدلال ثبات سیستم یک متغیر وابسته به قدرت و مهم‌تر از آن به تمرکز قدرت است «تمرکز قدرت منجر به ثبات سیستم می‌شود حال آنکه انکسار قدرت به بی‌نظمی سیستم می‌انجامد. (۴۹) از این استدلال چنین استنباط می‌شود که همکاری نیز یک متغیر وابسته به قدرت است چراکه این رهبر یا سرکرده است که رژیم‌های بین‌المللی را ایجاد کرده و موجب تسهیل همکاری می‌شود بنا به نوشته کوهین این نوع همگرایی پس از سیطره نیز ادامه خواهد داشت چراکه پس از اضمحلال یا ضعیف شدن مهاجم سایر بازیگران قواعد، اصول، نرم‌ها، و رویه‌های ایجاد شده را رعایت خواهند کرد. (۵۰)

نگارنده با انتقادهای سوزان استرینج از رژیم‌های بین‌المللی موافق نیست. استرینج رژیم‌ها را «مد» تلقی کرده و بر مسائل امنیت تکیه دارد حال آنکه نگارنده معتقد است رژیم‌های بین‌المللی نه تنها ارزش مطالعه دارند بلکه ماهیت جدی پیدا کرده‌اند و اما استرینج و ایزابل گرانبرگ به آنچه که «اسطوره سیطره» نامیده‌اند موافق است که

به‌راستی از این حیث فرضیه تبعیض‌آمیز و دارای اهدافی در جهت تأمین منافع قدرت‌های بزرگ و به‌ویژه منافع ایالات متحده است. (۵۱)

تحلیلگران رژیم‌های بین‌المللی مانند یانگ به هر دو بعد «اجباری» و «ارادی» آن اشارت دارند و اذعان دارند که رژیم‌ها «تحمیلی» هستند حتی پوچلا و هاپ‌کینز نیز اعتراف می‌کنند که رژیم‌ها تبعیض‌آمیز هستند و برخی از ارزش‌ها را بیش از سایر ارزش‌ها مورد توجه قرار می‌دهند، به نفع عده‌ای و به زیان عده‌ای دیگر عمل می‌کنند و گاهی الگوهای بین‌المللی برتری، استیلا و استثمار را در دنیا نهادینه می‌کنند (۵۲) ولی جالب اینجاست که النهایه این قبیل رژیم‌های «تحمیلی»، «تبعیض‌آمیز» قادرند «برابری و مساوات را تضمین کنند» (۵۳)، این قبیل تحلیل‌ها فضایی از اتر را مانند که در یک چشم به هم زدن تمام جنبه‌های منفی یعنی ابعاد «اجباری» و «تحمیلی» آنها از مقابل چشمان خواننده محو می‌شود. هسته اصلی تئوری ثبات مبتنی بر سیطره توجیه جبر و زور به هر وسیله ممکن از جمله اعمال تحریم‌های اقتصادی نامشروع است. یک نویسنده امریکایی خود در این مورد چنین می‌گوید: «الگویی از رفتار که بدو به واسطه فشار اقتصادی یا زور ایجاد شده باشد ممکن است توسط افرادی که تحریم بر آنها اعمال شده به صورت مشروع تلقی گردد. (۵۴) البته تمام تحریم‌های اقتصادی نامشروع نیستند. تحریم‌های اولیه مشروع و تحریم‌های ثانوی و ثالثه نامشروعند. که این خود جای بحث در رژیم تحریم‌های بین‌المللی دارد.

دومین انتقاد نگارنده این است که تئوری حاضر نقش دولت‌های کوچک را در ایجاد رژیم‌ها، علی‌الخصوص رژیم‌های منطقه‌ای نادیده می‌گیرد. مهاجمین یعنی پادشاهی انگلیس پیش از جنگ دوم جهانی و ایالات متحده پس از جنگ اول جهانی به مثابه تنها مؤسسين و تولیدکنندگان رژیم و کالاهای عمومی قلمداد شده‌اند. سایر اعضای جامعه جهانی به عنوان «سواره‌های رایگان» (۵۵) تلقی شده و یا حداقل دخالتی در تولید و توزیع کالاهای عمومی نداشته‌اند. همان‌طوری که هگرد و سیمونز اظهار داشته‌اند «چهره نیک نهاد» و «خیراندیش» سیطره مکتب واقع‌گرایی را واژگون کرده است. به جای اینکه قدرتمندها ضعفا را استثمار کنند، این ضعیف‌ها هستند که قوی‌ها را استثمار می‌کنند. (۵۶)

نگارنده در صدد آن نیست که مانند راجر توز، مورفی و سایرین یک اقتصاد سیاسی

بین‌المللی غیرتهاجمی را مطرح نماید و ادعا نماید که اینک «سیطره از پایین» است چرا که نیروی ساختاری شالوده هر رژیم بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. ولی مطالعه رژیم‌های بین‌المللی و یانظام نوین جهانی از دیدگاه یک قدرت چه نتیجه‌ای دارد؟ مارتین راجستر می‌پرسد این تئوری چه پندی را به کارگزاران سیاسی می‌دهد؟ اینکه به یک دولت اجازه داده شود مهاجم شود و به عنوان قدرت سیطره جو باقی بماند؟ (۵۷) لازم به ذکر است که نویسندگان امریکای شمالی مانند هانتینگتون و بروس راست ادعا کرده‌اند که قدرت امریکا در حال احیا شدن است و جوزف نای می‌گوید: امریکا در گذشته رهبر نبوده است اما از حالا به بعد «ملزم به رهبری» دنیا می‌باشد. (۵۸) حال آنکه دسته دوم می‌گویند قدرت امریکا رو به زوال است ولی در یک الی دو دهه آینده به عنوان یک دولت قوی در دنیا مطرح خواهد بود. مایکل هاز و گلین معتقدند که نهادهای برتون وودز در اثر ضعیف شدن قدرت امریکا خدشه‌دار شده‌اند و اقتصاد لیبرال در معرض تهدید است. (۵۹)

دیوید لیک معتقد است که بدون حمایت آلمان و ژاپن - امریکا قادر به ادامه سیطره نخواهد بود. (۶۰) فی الواقع لیک در صدد نجات تئوری ثبات مبتنی بر سیطره است. اما پس از یکی شدن آلمان غربی و آلمان شرقی وضعیت اقتصادی آلمان نیز به وخامت گرایید و اندک‌اندک نقش آلمان از سطح کلان به سطح منطقه‌ای کاهش یافت و در اروپا نیز توسط فرانسه و انگلستان به چالش کشیده شد. اخیراً نقش ژاپن در این تئوری تحت عنوان^۱ (دو سرکرده) شفافتر شده است. لیکن ژاپن علاوه بر اینکه یک سرکرده بی‌میل است دارای تمام شرایط نیز نمی‌باشد. از قبیل فقدان یک ایدئولوژی لیبرال، عدم کنترل بر مواد خام، نداشتن بازار بزرگ برای واردات. به هر حال گرچه در دهه آینده امریکا همچنان یک قدرت بزرگ در جهان مطرح خواهد بود ولی قادر نخواهد بود که به تنهایی کلیه رژیم‌ها را حفظ یا بازنویسی نماید. دیوید کلیو معتقد است که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یک راه حل «انحطاطی» به جای قدرت امریکا پیدا خواهد کرد. (۶۱) و رزکرانس می‌گوید که کنسرتی از قدرت‌های غربی این راه را ادامه خواهند داد. (۶۲)

بحث سقوط امریکا از طرف دیگر دو موضوع جنبی را مطرح کرده است. موضوع

اول اینکه امریکا سعی دارد در آخرین روزها حداکثر استفاده را از سیطره خود بنماید. دوم اینکه ضعف یا سقوط امریکا موجب بی ثباتی و هرج و مرج در جهان خواهد شد. گفته شده است که جنگ های تهاجمی برای سلطه جویی در جهان و یا در سطح منطقه در خواهد گرفت. لیکن به نظر می رسد نظریه ادامه همکاری پس از سیطره بیشتر صادق باشد. (۶۳) اکثر این نویسندگان که نام و اثرشان فوقاً ذکر شد از سطح تحلیل کلان استفاده کرده و به سیستم اتکا دارند اما کلیه تحلیل گران رژیم های بین المللی چنین عمل نکرده اند. به عنوان مثال، پیتر کترنشتاین در رابطه با این تئوری نیز از سطح تحلیل خرد استفاده نموده و می گوید: باید پارامترهای داخلی را نیز در تحلیل رژیم ها مورد استفاده قرار داد. وی می گوید وقتی تأکید روی قدرت مهاجم باشد طبعاً سیاست داخلی مطرح خواهد شد چرا که مردم آن کشور وقتی متوجه افت قدرت کشور خود بشوند هزینه رژیم را به سختی تأمین خواهند کرد و از خود واکنش نشان خواهند داد. (۶۴)

۱۳- عوامل مؤثر در تشکیل رژیم

عوامل متعددی در تشکیل رژیم های بین المللی نقش دارند و مهم ترین آنها از دیدگاه کرسنر، یانگ و هس عبارتند از:

۱. نفع شخصی خودپرستانه

۲. قدرت سیاسی

۳. نرم ها و اصول

۴. عرف و عادت

۵. دانش و ایدئولوژی

نفع شخص خودپرستانه، قدرت سیاسی، هنجارها و اصول به عنوان عوامل اصلی می باشند حال آنکه عرف و عادت، دانش و ایدئولوژی جزء عوامل فرعی می باشند و کرسنر می گوید کلیه تئوری های سیاسی قراردادی از هابس تا راولز بر مبنای نفع شخصی خودپرستانه هستند. طبق نظریه کرسنر در نفع خودپرستانه رفتار دیگران مد نظر نخواهد بود مگر آنکه چنین رفتاری بر ازدیاد منافع شخصی تأثیر داشته باشد. قدرت سیاسی در دو بعد در نظر گرفته می شود. الف- از دیدگاه جهان وطن انگاری که

در آن قدرت جنبه عام‌المنفعه دارد و به‌کارگیری آن به عنوان خدمت برای عموم و در جهت عرضه کالاهای عمومی تلقی می‌گردد. از دیدگاه اقتصادی ریشه این طرز تفکر در «دست نامرئی» آدام اسمیت قرار دارد. ب - قدرت در اختیار منافع خاص. از این حیث تشکیل رژیم‌ها صرفاً برای تأمین منافع کشور مهاجم است یعنی رژیم‌هایی که با انگیزه‌های قبلی ایجاد می‌شوند ناشی از توزیع قدرت می‌باشند و این نظریه بیشتر مورد توجه نویسندگان رژیم‌های بین‌المللی است.

اصول و نرم‌ها نیز از ارکان اصلی رژیم‌های بین‌المللی هستند. اصل حاکمیت از جمله این اصول می‌باشد. به نظر فرد هیرش بدون ارزش دوران ماقبل سرمایه‌داری از قبیل کار سخت، از جان‌گذشتگی و وفاداری، سرمایه‌داری محکوم به فنا بوده است. آن ارزش‌های سرمایه‌داری که در مذاهب مختلف وجود داشته موجب رشد سرمایه‌داری شده است. عرف، عادت و دانش نیز در تشکیل رژیم‌های بین‌المللی نقش فرعی ایفا می‌کنند. باید توجه داشت که هر رفتار حاوی الگویی بیش از آنکه به صورت عرف و عادت درآید به واسطه نوعی قدرت و نفع شخصی ایجاد می‌شود. و در اثر گذشت زمان و اعمال زور تبعیت می‌پذیرد. قسمتی از حقوق بین‌الملل معاصر علی‌الخصوص حقوق تجارت مبتنی بر عرف و عادت و رویه است. این حقوق بیش از آنکه به صورت عرف درآید توسط سیاست‌های استثماری دولت‌های غربی در دوره سیاسی مستعمراتی و در راستای تأمین منافع شخصی شرکت‌ها و اتباع آن کشورها ایجاد شده است. کنفرانس‌ها و نشست‌های موقت باعث ایجاد سازمان‌های بین‌المللی شده و آرا و احکام آنها قوانین مذکور را تدوین نموده است. اصل غرامت، اصل کدخدامنشی و اصل حقوق مالکانه از جمله اصولی هستند که در تشکیل رژیم‌های داورهای بین‌المللی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. (۶۵)

نقش دانش نیز در رژیم‌های بین‌المللی ابتدا توسط ارنست هس به صورت پدیده‌ای «شناختی» ارائه گردید. هس نقش اطلاعات فنی را مطرح ساخت و استدلال کرد که در عصر جدید اطلاعات به عنوان یکی از منابع قدرت بوده و می‌تواند در ارزیابی منافع بازیگران تأثیر گذارده و مبنایی برای همکاری در میان کشورها باشد. دانش می‌تواند پیچیدگی مسائل و ارتباط آنها را با یکدیگر آشکار نماید. (۶۶)

۱۴- جهانی شدن و رژیم‌های بین‌الملل

رژیم‌های بین‌المللی به مثابه تسهیلات بین‌المللی^۱ هستند که فرآیند جهانی شدن را در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اطلاع‌رسانی ارتباطات و... تسریع می‌بخشند. جهانی شدن در غیاب رژیم‌های بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال در جهانی شدن اقتصاد سه فرآیند مشاهده می‌شود: به عنوان مثال در جهانی شدن اقتصاد سه فرآیند مشاهده می‌شود: الف - انتقال کالا ب - انتقال سرمایه ج - انتقال خدمات. انتقال این اقلام توسط رژیم‌های بین‌المللی و با حمایت آنها صورت می‌گیرد. بدیهی است این اقلام به محض ورود به کشورها در حال توسعه هم ایجاد فرصت و هم ایجاد محدودیت خواهد کرد. (۶۷)

موفقیت در استفاده از فرصت‌ها و کاهش محدودیت‌ها بستگی به رژیم‌ها و نهادهای ملی و ائتلاف درون این نهادها دارد. چنانچه این ائتلاف صورت نگیرد گروهی به شدت در اثر انتقال اقلام فوق بهره‌مند شده و از مزایای آن استفاده خواهند کرد و عده‌ای نیز در اثر انتقال آن اقلام متضرر خواهند شد. در نتیجه گروه اول رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیدا می‌کنند و گروه دوم سقوط اقتصادی و سیاسی. فلذا بحران و تنش در درون کشورهای فوق صورت می‌گیرد. این عمل در فاز اول به رشد فزاینده ناسیونالیسم جهت حمایت از اقتصاد و ارزش‌های داخلی کمک خواهد کرد. اما چون رژیم‌های ملی توان تعدیل رژیم‌های بین‌المللی را ندارند، ناگزیر استراتژی‌های ملی شکست خواهد خود و جهانی شدن، پس از ناسیونالیسم قومیت‌ها را در مقابل ناسیونالیسم تقویت خواهد کرد و این امر موجب خواهد شد که فرایند واگرایی و تجزیه‌طلبی در اثر جهانی شدن شدت یابد. به این معنا که جهانی شدن از یک طرف جهان را حول محور همگرایی جمع خواهد کرد و از طرف دیگر نطفه‌های تفرقه و واگرایی و تجزیه‌طلبی را خواهد افشاند و این دو نیروی همگرایی و واگرایی بواسطه رژیم‌های بین‌المللی به عنوان تسهیلات جهانی شدن زمینه‌های همکاری و منازعه را ایجاد خواهند کرد بطریقی که همکاری خود منازعه را تولید خواهد کرد و تلاش برای رفع منازعه همکاری را موجب خواهد شد.

1. international facilities.

نتیجه‌گیری

مطالعه علل جنگ‌ها، پیشگیری از وقوع آن‌ها و نحوه اختتام جنگ‌ها و بالاخره برقراری شرایط صلح و امنیت بین‌المللی و سپس توسعه کیفی و کمی هسته اصلی روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. رژیم‌های بین‌المللی مکانیزم‌های بین‌المللی جهت همکاری در این زمینه‌ها هستند.

روزی نیست که در دنیا قواعد و رویه ایجاد نشود. این قانونمندی‌ها در چارچوب رژیم‌های بین‌المللی صورت می‌گیرند. رژیم‌های بین‌المللی در عرصه‌های امنیت، اطلاعات، اقتصاد، حقوق، فرهنگ، محیط‌زیست ارتباطات و... به عنوان ابزار و تسهیلات جهانی شدن فعال هستند. به عنوان مثال انتقال کالا، خدمات و سرمایه به داخل کشورها از طریق رژیم‌های تجاری-اقتصادی صورت می‌گیرد. در زمینه‌های خلع سلاح نیز معاهدات NPT، CTBT بمثابه رژیم‌های خلع سلاح تحمیلی امنیتی اعمال می‌گردند. صلح دموکراتیک در چارچوب رژیم بین‌المللی دموکراسی و حقوق بشر در حال شکل‌گیری است. رژیم بین‌المللی کیفی، رژیم توسعه، رژیم نفت و انرژی، اقیانوس‌ها و بستر دریاها، منابع طبیعی، هوا و فضا هر یک اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری خود را تدوین نموده‌اند. انجام مطالعات تخصصی و کارشناسی در آن زمینه‌ها جهت پی‌گیری منافع ملی و همکاری‌های بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است.

یادداشت‌ها:

۱. این تعریف متعلق به استفن کرسنر است که برای اولین بار طی مقاله‌ای تحت عنوان «علل ساختاری و پیامد رژیم‌ها: رژیم‌ها به‌عنوان متغیرهای واسطه» در مجله International Organization مورخ ۱۹۸۲ تحت شماره (۲) ۳۶ چاپ گردید و سپس این مقاله مقدمه کتاب رژیم‌های بین‌المللی با مشخصات زیر گردید. تعریف کرسنر از رژیم در حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل به عنوان یک تعریف استاندارد جا افتاده است. مراجعه شود به:

Krasner, S.D. (ed) (1983) International Regimes, Ithaca Ny: Cornell University Press, p. 2.

۲. حتی دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج هنوز نیز رهیافت توصیفی و حقوقی نسبت به رشته روابط بین‌الملل دارند. البته با حضور اساتید امریکایی و کانادایی در آکسفورد و کمبریج این روند رو به

تغییر است مانند پروفیسور نیل مک فارلن. همچنین مراجعه شود به:

Holsti, K.J. (1987) *The Dividing Discipline: Hegemony and Diversity in International Theory*: Allen and Unwin.

۳. حسین یوسفی قهی، رژیم‌های بین‌المللی و رژیم‌های امنیت، رساله کارشناسی در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه ۱۳۷۶ جهت اطلاعات بیشتر در سوابق رژیم‌ها مراجعه شود به تقریرات اینجانب در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ و همچنین مراجعه شود به ابومحمد عسگرخانی، فصل‌نامه دانشکده روابط بین‌الملل، زمستان ۱۳۷۴.

۴. مراد از رئالیسم مکتب واقع‌گرایی و زیر مجموعه‌های آن است که به‌طور کلی رئالیسم سیاسی، ساختارگرایی یا نئورئالیسم، رئالیسم اقتصادی، ساختارگرایی تعدیلی و رئالیسم نئوکلاسیک را در بر می‌گیرد.

Classical Realism - Power Politics - Political Realism - Structuralism
Neorealism - Modified Structuralism - Neoclassical Realism -
Economic Realism

۵. هدف از وابستگی متقابل در اینجا این است که به‌طور کلی نئولیبرالیسم و نهادگرایی به‌ویژه نهادگرایی نئولیبرال و حتی تعامل آن با نئورئالیسم و نزاکت جهانی تحت عنوان سازنده‌گرایی مورد نظر باشد.

Interdependence - Neoliberal Institutionalism - Constructivism - World Polity...

۶. منظور از وابستگی کلیه زیرمجموعه‌های نئومارکسیسم و امپریالیسم می‌باشد. یعنی:

Marxism, Neo-Marxism, Imperialism, Dependence. Associated
Dependence, Unequal Exchange, World Capitalist System...

۷. جهان‌ستایی یا جهان‌وطن‌نگاری در مقابل واژه Cosmopolitanism که برای اولین بار Charles Beitz آن را به جای ایده‌آلیسم به کار برد: Ideolism, Utopianism

۸. ساختار عبارتست از اجزاء تشکیل‌دهنده هر پدیده و مهم‌تر از آن شیوه قرار گرفتن آن اجزاء در آن پدیده، به‌عنوان مثال ساختار نظام بین‌الملل یعنی Structure of International System یعنی بازیگران موجود در نظام بین‌الملل است که بنا به استدلال واقع‌گرایان دولت‌ها هستند. البته در اینجا پست مدرنیسم مورد نظر نمی‌باشد.

۹. هر نظامی براساس یک منطق، اصل و یا اصولی استوار است، که به آن می‌گویند:

Logic or Principles of International System.

۱۰. توزیع قدرت در میان اجزاء یک کل مورد نظر هر چهار مکتب مهم روابط بین‌الملل می‌باشد که به

آن Distribution of Power می‌گویند.

۱۱. مطالعه مجلاتی از قبیل International Organization حاکی از آن است که یک روندی برای نهادگرایی نئولیبرال به تدریج به دنبال مطالعه سازمان‌های بین‌المللی آغاز گردید. به عنوان مثال مارتین راجستر Martin Rochester در سال ۱۹۸۶ یک بررسی جامع از مطالعه سازمان‌های بین‌المللی در خصوص ظهور و سقوط مطالعه سازمان‌ها انجام داد که در مجله International Organization به چاپ رسید.

۱۲. برای مطالعه ادبیات مارکسیستی به لاران و در مورد رژیم زیست‌محیطی به یانگ مراجعه نمایید:
Young, O. (1989) International cooperation: Building Regimes for Natural Resources and the Environment.

Larrain, J. (1989) Theories of Development, Polity Press, Dales Brewery.

۱۳. مراجعه شود به:

Cooper, R. N. "Prolegomena to the Choice of an International Monetary System", in International organization 29 (1975).

۱۴. مراجعه شود به چندین مقاله‌ای که توسط Nye و Keohane بین سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۷ نوشته شد به ویژه به مقاله مورد نظر:

Keohane, R.O. and Nye, J.S. (1975) "International Interdependence and Integration". in F.I. Greenstein and N.W. Polsby (eds) Handbook of Political Science, vol. 8, Reading MA: Addison-Wesley.

۱۵. مراجعه شود به:

Haas, E. (1975) The Obsolescence of Regional Integration Theory, Bericeleg, CA: Institnte of International Studies.

۱۶. مراجعه شود به:

Ruggie, J. G. (1975), "International Responses to Technology: Concepts and Trends" International Organization.

۱۷. این کتاب به عنوان انجیل وابستگی متقابل لقب گرفت و در واقع کتاب ما در مطالعه نهادگرایی گردید.

Keohane, R.O. and Nye, J.S. (1977) Power and Interdependence, Boston: Little, Brown.

۱۸. نگاه کنید به:

Young, O. (ed), (1975) *Bargaining: Formal Theories of Negotiation*, Urbana: University of Illinois Press.

۱۹. نگاه کنید به:

Young, O. "International Regimes: problem of concept formation" *World Politics* 32 (1980).

۲۰. مراجعه شود به:

Haas, E. "Why Collaborate? Issue Linkage and International Regimes". *World Politics* (1980).

۲۱. مراجعه شود به فوق (۱)

۲۲. مراجعه شود به:

Nye, J., S., JR, *Bound to Lead: the Changing Nature of American Power*. (1990), Basic Books, inc. New York.

۲۳. مراجعه شود به اثر بسیار زیبای کوهین در خصوص ادامه رژیم‌ها پس از سیطره قدرت امریکا

Keohane, R.O. (1984) *After Hegemony*, Princeton: Princeton University Press.

۲۴. مراجعه شود به:

Jervis, R. "Security Regimes" in Krasnor, *Ibid.*

۲۵. مراجعه شود به:

Nye, J. "Nuclear Learning" in *International Organization* (1987).

۲۶. به عنوان مثال مراجعه شود به:

Haas, P.M. (1990) *Saving the Mediterranean*, New York: Columbia University Press.

Haas, P.M. (1992) "Epistemic Communities and International Policy Coordination" in *International Organization* 46 (1).

Benedick, R. E. (1991) *Ozone Diplomacy: New Directions in safe-guarding the planet*, Cambridge MA: Harvard University Press.

۲۷. مراجعه شود به:

Haggard, S. and Simmons, B. (1987) "Theories of International Regimes". Io 41.

۲۸. به عنوان مثال مراجعه شود به:

Oye, K. A. (1986) *Cooperation Under Anarchy*, Princeton Nj: Princeton University Press.

۲۹. مراجعه شود به:

Jervis, R. *Perception and Misperception in International politics*, (1976), Princetor uni Yersity Press.

در مورد دیدگاه‌های راگی و هس به کتاب کرسنر مراجعه شود.

۳۰. مراجعه شود به:

Boulding, Kenneth (1963) *Conflict and Defense: A genoral theory* (Harper and Row, New York)

۳۱. مراجعه شود به:

Puchala, D. J. and Hopkins, R. F. (1983) "International Regimes: Lessons from Inductive Analysis" in krasner, *Ibid.*

۳۲. مراجعه شود به :

Young, O. (1983) "Regime Dynamics: The Rise and Fall of international Regimes" in krasnor, *Ibid.*

Hobbess, T. *Leviathan*

۳۳. مراجعه شود به:

۳۴. مراجعه شود به نویسنده کتابی که در واقع بنیان‌گذار مکتب نئورئالیسم یا ساختارگرایی است.

Waltz, K. (1979) *Theory of International Politics*, Reading MA: Addison-Wesley.

۳۵. فوق، ص ۹۴.

۳۶. فوق.

۳۷. مراجعه شود به :

Zacher, M. W. (1993) "Multilateral organizations and the institution of multilateralism: The development of regimes for the non-terrestrial spaces". in Ruggie J.G. (ed) *Multilateralism Matters: The Theory and prac is of an institutional form*, New York: Columbia Universithy Press. Also see Zacher, "Aviation Regime" in *International Organization* 1999.

۳۸. مراجعه شود به فرایند رژیم‌سازی در نساچی

Aggarwal. V.K. (1985) *Liberal protectionism: The international politics*

of organized textile trade, Berkeley: University of California Press.

۳۹. مراجعه شود به:

Nye, J. S. (1988) "Neorealism and Neoliberalism" World Politics 40 (2).

۴۰. مراجعه شود به:

Axelrod, R. (1984) Evolution of cooperation, New york: Basic Books.

۴۱. مراجعه شود به ابومحمد عسگرخانی، «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل

تسلیحات هسته‌ای»، مجله سیاست دفاعی، زمستان ۱۳۷۷.

۴۲. مراجعه شود به آثار کوهین، به‌ویژه به:

Keohane, R.O. (1980) "The Theory of Hegemonic Stability and Changes in International Economic Regimes 1967-1977" in Holsti, O.R.

et al (ed) Changes in the International System. Boulder Co. Westview Press.

۴۳. مراجعه شود به: After Hegemony فوق.

۴۴. چارلز کیندل برگر در واقع بنیان‌گذار تئوری ثبات مبتنی بر سیطره بوده است. مراجعه شود به:

Kindleberger, C.P. (1973) The World in Depression 1929-1939, Berkeley: University of California Press.

۴۵. رجوع شود به After Hegemony فوق.

۴۶. فوق.

۴۷. رجوع شود به:

Asgarkhani, A. "International Human Rights Regimes" in Islamic views on Human Rights (2002) Alhoda Press, Tehran.

ترجمه کتاب فوق نیز توسط انتشارات الهدی به چاپ رسیده است: اسلام و حقوق بشر: آراء دانشمندان ایرانی.

۴۸. مراجعه شود به:

Gilpin, R. (1987) The Political Economy of International Relations, Princeton University Press.

۴۹. مراجعه شود به:

Hawes, M. and Haglund D. World Politics (1990) University of Toronto Press.

۵۰. مراجعه شود به کوهین، After Hegemony، فوق.

۵۱. مراجعه شود به:
Strange, S. "Cave hic dragones: a critique of regime analysis" in Krasnor, *Ibid.*, Also Grunberg, I. "The Limits of Hegemonic Stability Theory" International Organization 1988.
۵۲. Hopkins و Puchala, فوق.
۵۳. مراجعه شود به کوهین *After Hegemony*, فوق.
۵۴. مراجعه شود به کرسنر: Krasner, S., *Op.Cit.*, p. 19.
۵۵. بحث سواری رایگان (Free riding) را به‌طور کلی اکثر نویسندگان اقتصاد سیاسی بین‌الملل مطرح می‌نمایند و مثلاً مطرح می‌کنند که ژاپن از سیستم به صورت رایگان سواری می‌گیرد.
۵۶. مراجعه شود به:
- Haggard, S. and Simmons B. (1987), "Theories of international Regimes", International organization 41.
۵۷. مراجعه شود به:
- Rochester, M. (1986) "The rise and the fall of international organizations", International organizations.
۵۸. مراجعه شود به:
S. Nye, J. 1999, *Bound to lead, The changing Nature of American Foreign policy*, New york, Basic Books.
۵۹. Hawes, فوق.
۶۰. مراجعه شود به:
- Lake, D. (1983) "Interanational Economic Structures and American Foreign Policy", 1887-1934, World Politics.
۶۱. مراجعه شود به:
- Calio, D. (1987), *Beyond American Hegemony*, Basic Books, inc, New york.
۶۲. مراجعه شود به:
- Rosecrance, R. (1994) "A New Concert of Powers and Us Foreign Policy" in Eugene R. Wittkopf (ed), *The Future of American foreign policy*, 2nd ed. New York: St Martin's.
۶۳. مراجعه شود به کوهینی *After Hegemony*, فوق.

۶۴. مراجعه شود به:

Katzenstein, P. J. (1978) "Introduction: Domestic and International Forces and Strategies of foreign Economic Policy" in *Between Power and Plenty*, Madison: University of Wisconsin Press.

۶۵. مراجعه شود به:

Asgarkhani, A. (1995) *Hegemony, Challenge and Compromise, The Iran - US Claims Tribunal as an International Regime in Conflict Resolution*. Ph.D. Dissertation, Queen's University, Ontario, Canada.

۶۶. مراجعه شود به:

Haas, P.M. (1992a) "Knowledge, Power, and International Policy Coordination". *Io* 46(1)

۶۷. مراجعه شود به:

Keohane, R. O. and Helen V. Milner (1996) *Internationalization and Domestic Politics* (Cambridge University Press, UK).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی